

### چکیده

نیایش در ادبیات منظوم و منثور ایران زمین گونه‌ای ادبی در نخستین آثار مکتوب فارسی تاکنون است. نثر معاصر، به خصوص پس از انقلاب اسلامی، به دلیل داشتن فضای گسترده ادبی مرتبط با نیایش فصل جدید و درخشانی برای این گونه ادبی است. نویسندگان برجسته‌ای همچون آیت‌الله حسن‌زاده آملی، شهید مصطفی چمران، حجت‌الاسلام محدثی و سیدمهدی شجاعی در این گونه ارزشمند ادبی توانمندی و جلوه بیشتری دارند.

### کلید واژه‌ها:

نیایش، اوستا، سجع و خواجه عبدالله، عصر مشروطه، محتوای نیایش‌ها در نثر انقلاب اسلامی.

### مقدمه

نیایش عمیق‌ترین و روح‌نوازترین راه ارتباط انسان با محبوب ازلی است. فرصتی است که انسان زمینی را از مناسبات زندگی مادی رهایی می‌بخشد و معنویت را نصیب جان او می‌کند. آنگاه که مولود خاکی از تنگنای زمین غریبانه می‌نالد و تنها پناهگاه خود را قدرت لایزال الهی می‌داند، کدام ریسمان را محکم‌تر از مناجات و نیایش به درگاه خداوند می‌شناسد؟ این غم غربت همواره محصول تفکر و اندیشه اندیشمندان، عارفان و شاعران بوده است که به دنبال احساس تنهایی و روی آوردن به جانب مقصود به نیایش کردن می‌پردازند. حاصل این پیوند زیبا در ادبیات فارسی گونه ادبی عرفانی و معنوی نیایش‌نامه است که بخش قابل ملاحظه‌ای را در بر گرفته است. بسامد این نوع ادبی در شعر فارسی نسبت به نثر بیشتر است، اما همین متون باقی‌مانده به حق جزو آثار ماندگار، زیبا و فصیح زبان فارسی هستند.

نازنین بهداروند  
کارشناس ارشد زبان و  
ادب فارسی و مدرس  
دانشگاه پیام نور  
مسجد سلیمان

اولین اثر مکتوب ایرانیان که بخش وسیعی از آن شامل نیایش است کتاب اوستاست که اکثر نیایش‌های آن طولانی و دربردارنده خواسته‌های مادی است. اثر قابل ملاحظه دیگر الهی‌نامه خواجه عبدالله است که بستر آفرینش سجع در علم بدیع شده است.

تکیه اصلی این مقاله به نیایش در دوره انقلاب اسلامی است. زبان ساده، ترکیبات نو، تشبیهات مفصل و چندبعدی مضامین از ویژگی‌های مهم ادبیات این عصر است.

### معانی لغوی نیایش

در لغت‌نامه دهخدا نیایش به معنی «دعا، آفرین و تحسین، دعایی که از روی تضرع و زاری کنند، ستایش و تحسین و...» آمده است (دهخدا، ذیل واژه نیایش).

در فرهنگ فارسی معین نیز این معانی برای نیایش آمده است: «پرستش و عبادت، دعا و آفرین و...» (معین، ذیل واژه نیایش). در فرهنگ‌نامه ادبی فارسی نیز آمده است: «مناجات‌نامه نوشته منظوم و منثوری که در آن‌ها شاعر یا نویسنده با تضرع و زاری از خداوند یاری می‌جوید و برای رسیدن به نیک‌بختی به او متوسل می‌شود.» (نوشه، ۱۳۸۱: ذیل نیایش).

### نیایش در دوره معاصر

در این دوره نیایش منشور با رگه‌های باریکی از قلم علی شریعتی، که به این گونه ادبی پرداخته است، آغاز می‌شود. در نیایش‌های شریعتی، صرف‌نظر از متن زیبای نیایش‌ها، نظریه‌های بسیار عمیق فلسفی و مستندی درباره نیایش با تکیه بر صحیفه گران‌قدر سجاده دیده می‌شود. در این نیایش‌ها رسالتی عمیق دنبال می‌شود.

# نگاهی بر نیایش‌های منثور زبان فارسی و درنگی بر نیایش‌های پس از انقلاب اسلامی



از جمله بیان مسئولیت‌های انسانی، جهاد، تلاش و سازندگی، تفکر عمیق و مذهب‌گرایی اصیل بدون سطحی‌نگری‌هایی که به نوعی به صوفی‌گری مبدل شده‌اند. به هر حال روح ناآرام این متفکر و شناخت عمیقی که ریشه در باورها و اعتقاداتش داشت، بیانگر اختلاف سلیقه ژرفی است که وی با متفکران هم‌عصر خود دارد. محورهای اصلی‌ای که می‌توان از متن‌نمایش‌های شریعتی استخراج نمود، بسیار گسترده، عمیق و اصولاً فلسفی هستند؛ از جمله:

- معنویت و شعور: شریعتی توانایی فعلی و رشد علمی را لازمه زندگی می‌داند اما معتقد است که توجه افراطی به این توانایی‌ها انسان را از زیبایی‌های عرفانی و معنوی بازمی‌دارد: «خدایا، رشد عقلی و علمی، مرا از فضیلت تعصب، احساس و اشراق محروم نسازد» (شریعتی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

- اخلاص در عبادت: زنده‌یاد شریعتی همواره در آرزوی داشتن ایمانی مطلق و اطاعتی محض نسبت به پروردگار خویش است. او همچون انسان‌های عصر خود، که یوغ بندگی انسان‌های دیگر را بر دوش می‌کشند، نیست؛ چه اطاعت کردن و سر به فرمان حاکمان بردن را نوعی پرستش و بندگی غیرخدایی می‌داند. پس با بیان واژه «مطلق» هدفش تنها اطاعت و عبادت خداوند یکتاست و رهایی از اسارت انسان‌هایی که خود را حاکمان مطلق می‌دانستند. از طرفی نیز با بیانی محکم‌تر و با استفاده از آهنگ خاصی که از کلمه «عصیان» برمی‌آید، نهایت جبهه‌گیری خود را در مقابل آن‌ها بیان می‌کند: «خدایا، مرا در ایمان، اطاعت مطلق بخش تا در جهان، عصیان مطلق باشم» (شریعتی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

- آزادگی و عرفان: جامعه‌ای که شریعتی در آن زندگی می‌کند، دچار نوعی صوفی‌گری است؛ به گونه‌ای که مذهب‌گرایی اصیل و معنویت را در زندگی انسان‌ها کم‌رنگ ساخته و این از نظرگاه اندیشمندی چون او نوعی (بیماری) است. در نظر شریعتی صوفی نمایان اسیر قوانین بی‌رنگ و بو و صرفاً ظاهری شده‌اند و زمانه او را از عرفان واقعی دور ساخته‌اند. پس با زبانی گلایه‌آمیز می‌گوید: «خدایا، جامعه‌ام را از بیماری تصوف و معنویت‌زدگی شفا بخش، تا به زندگی و واقعیت بازگردد و مرا از ابتدال زندگی و بیماری واقعیت زندگی نجات بخش، تا به آزادی، عرفان و کمال معنوی برسم» (شریعتی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

### نیایش در دوره پس از انقلاب اسلامی

وقوع حادثه عظیم و معنوی انقلاب اسلامی فصل جدیدی در تاریخ ایران گشود. چنین هنگامه پرشوری با رهبری خردمندان حضرت امام خمینی (ره) ادبیات ما را نیز با فضای جدیدی آشنا ساخت. به عبارت دیگر، چون این انقلاب شکوهمند بر پایه عقاید و معارف اسلامی بنا شده است، تجلی آن را نیز در ادبیات مشاهده می‌کنیم.

علم و فرهنگ و هنر در نظر مردم پرننگ‌تر می‌شود، اصول اخلاقی و اسلامی محکم‌تر و خودسازی و خودباوری بیشتر می‌شود. تعهد و مسئولیت‌پذیری، حمایت از مظلومان، دفاع از میهن اسلامی، ایثار و جانبازی و اشتیاق به شهادت در روح مردم ریشه می‌دواند و پس از عبور از دوران پرافتخار جنگ تحمیلی نیز سازندگی و روح امیدواری در زندگی مردم موج می‌زند. «نخستین تحول عظیم ادبی در انقلاب اسلامی ساده و بی‌تکلف شدن نثر فارسی است، به گونه‌ای که مطالب عالی معارف اسلامی و دینی و سیاسی و فرهنگی در زبان ساده و صریح گفته و نوشته می‌شود، بسیاری از کلمات، مفاهیم حقیقی و تازه‌یافته و از صورت تخیلی و شاعرانه بیرون آمده است؛ مانند جبهه، جنگ، شهید، شهادت، ایثار، تعاون، مسئولیت، خواست مردم، خدمت اجتماعی و ملی و نظایر آن‌ها.

البته به تناسب مفاهیم و موضوعات تازه لغات و ترکیبات تازه هم پیدا شده است؛ مانند ولایت فقیه، مجلس شورای اسلامی، انقلاب فرهنگی، اقتصاد وابسته، خودکفایی، ابرقدرت، رکعت عشق، بسیج و بسیجی، آزادگان و...» (سمت، ۱۳۷۳: ۳۱۳ و ۳۱۲) واضح است که نیایش‌های این دوره نیز بی‌بهره از این خطوط فکری نیستند. نیایش‌نامه‌ها دیگر تنها یک موضوع ادبی نیستند بلکه یک روش تعلیم و تربیت صحیح اسلامی، معنوی و عرفانی هستند و جاذبه‌های ادبی، علمی و تاریخی آن‌ها بسیار است. نیایش در این دوره پیام برخاسته از جان شفیقه انسان برای معبود است. وسیله‌ای است برای تهذیب نفس و تعالی روح و فزونی معارف و آویزه‌ای است برای پیوند با هم‌نوع و راه کمال علم و هنر. این نیایش‌ها ابعاد اجتماعی را محکم‌تر می‌سازند. نیایش‌نامه‌نویسان این دوره به هیچ‌وجه قصد ابراز فضل و اندیشمندی ندارند و معترف‌اند که این نیایش‌ها تنها زبان دل و روح مشتاق آنهاست.

نیایش‌های این دوره دیگر تنها بیان درخواست‌ها، ستایش محض یا راز دل گفتن با محبوب جان‌ها نیست و همه ابعاد نیایش را در پی دارد. به سخن دیگر نیایشگر این دوره نویسنده، متفکر، عارف، ادیب و موعظه‌گری است که تمام وظایف خود را در این حیطه‌ها به خوبی انجام داده است. نیایش‌نامه‌نویس این عصر دنیا را مانند یک شاعر لطیف یا غمگین، نگران‌کننده و ناراضی نمی‌داند و تمام گله او از این است که دنیا او را از محبوب حقیقی دور کرده است، علم برای او وسیله کسب معاش نیست و هنر راه رسیدن به شهرت نیست، بلکه وسیله‌ای است برای تلطیف روح و دستمایه‌ای برای رسیدن به وصال. توجه به مقام ولایت، موضوع معراج روح، نیایش برای ظهور و فرج امام غایب (عج) جزء محوری‌ترین درون‌مایه‌های نیایش‌های این دوره هستند.

اولین اثر مکتوب  
ایرانیان که بخش  
و سیعی از آن شامل  
نیایش است کتاب  
لو ستاست که اکثر  
نیایش‌های آن  
طولانی و در بردارنده  
خو استه‌های مادی  
است. اثر قابل ملاحظه  
دیگر الهی‌نامه خواجه  
عبدالله است که بستر  
آفرینش سجع در علم  
بدیع شده است

دنباله مطلب در وبگاه نشر به